

شد که تفاوت میان خدمت عادلانه با خدمت نیکوکارانه محض و غیر ملتزم به عدالت، وجود پاره‌ای از ملاحظات دینی، سیاسی، قومی، نژادی و... در خدمت نیکوکارانه است. دولت تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند از باب نیکوکاری محض نسبت به شهروندان خود خدمات مالی و غیرمالی ارائه کند. مثلاً چنین ابراز کند که فقط در شهرهای بزرگ به خدمت‌رسانی در برقراری امنیت مشغول باشد و از شهرهای کوچک صرف‌نظر کند. همین مثال را می‌توان در حوزه خدمات عمومی، بهداشت و درمان و آموزش نیز بیان کرده بنا بر این خدمت دولت نمی‌تواند از باب نیکوکاری منهای خاستگاه عدالت انجام شود، بلکه همواره باید وصف عادلانه را داشته باشد.

۵.

خدمت در ادبیات دینی؛ عادلانه یا نیکوکارانه؟

خدمت‌رسانی و یاری‌گری مالی نسبت به فقرا در تلقی عمومی مسلمانان، به عنوان یک «سنت استحبابی دینی» مطرح است. طبق این تلقی، نیکوکاری مشتمل بر ثواب است؛ یعنی در تلقی بسیاری از دینداران نه ربطی به عدالت دارد و نه ربطی به الزام شرع. در واقع، تصور بر این است که در بحث صدقه و انفاق و... هیچ الزام شرعی متوجه ما نیست و ما آن را صرفاً به عنوان یک مستحب مضمحل ثواب می‌بینیم. این تلقی خالی از اشکال نیست. با مراجعه به متون دینی، گویی فقرا یک «حق تثبیت شده پیشینی» دارند و اگر کسی آنان را اعانه و یاری نکند، نزد خداوند مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد و باید در دادگاه عدل الهی پاسخ‌گو باشد. به عنوان مثال، امیرالمؤمنین (ع) در روایتی می‌فرماید: «ما رأیت نعمة موفورة إلا ولی جانبها حق مضیع؛ یعنی مال و ثروت فراوانی را ندیدم مگر آن که در کنار آن حقی پایمال شده باشد». البته هر ثروتی مد نظر حضرت نیست، بلکه ثروت موفوره یعنی ثروت انبوه مد نظر ایشان است. در حکمت ۳۲۸ نهج البلاغه چنین بیان می‌دارند: «إِنَّ اللَّهَ شَبَّحَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْرَاتِ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ غَنِيٌّ؛ خداوند سبحان خوراک فقرا را در اموال اغنیاء قرار داده، هر فقیری که گرسنه بماند در نتیجه دریغ داشتن یک غنی از مال خود بوده است». در این کلام نورانی، ره‌نشدن اغنیاء به حال خود و مواخذة الهی از آن‌ها استنباط می‌شود. بنا بر این این‌گونه نیست که فقرا هیچ‌حق پیشینی مرتبط با عدالت نداشته باشند یا هیچ‌الزام شرعی متوجه آحاد مردم در توجه آنان به فقرا نباشد.

۶.

یاری‌گری مردمی؛ از جوه اخلاقی تا جوه اجتماعی

یاری‌گری و خدمت‌رسانی در جوه مردمی آن و نه در جوه حاکمیتی، علاوه بر وجه انسان دوستی و نوع دوستی، وجوه اخلاقی و اجتماعی نیز دارد. یعنی هم باعث هم‌گرایی جمعی و انسجام اجتماعی شده و هم باعث رشد اخلاقی فرد و شکل‌گیری فضایل اخلاقی در او می‌شود. فردی که انفاق و یاری‌گری می‌کند و از دیگران دست‌گیری می‌نماید و انواع اعانه‌ها را انجام می‌دهد، نسبت به دیگران اخلاقی‌تر و معنوی‌تر می‌شود. جامعه نیز به تبعش واجد هم‌گرایی و انسجام بیش‌تری می‌شود. برخی ممکن است به اشتباه میان برجسته کردن وجه اجتماعی و وجه اخلاقی با فقرزدایی و ارضای نیازهای اساسی، نوعی تقابل را متصور شوند؛ با این بیان که «اگر دولتی توانایی برطرف کردن فقر مطلق را داشته باشد و نیازهای اساسی جامعه را برطرف کند، این کار چندان مطلوب نیست؛ زیرا ریشه‌کنی فقر مطلق، مفاهیمی چون انفاق، ایثار، قرض الحسنه و سایر مصادیق امداد را بلا موضوع می‌کند و آن‌گاه فقیر و نیازمندی پیدا نمی‌شود و همه چیز را دولت تصدی خواهد کرد! این وضعیت به نوبه خود باعث رشد فردگرایی منفی در جامعه و بلااثر شدن وجوه اخلاقی و اجتماعی امدادگری می‌شود». البته باید توجه داشت که اساساً «فقر نسبی» هیچ‌گاه برطرف نخواهد شد، زیرا هر فردی به هر میزان غنی که باشد، نسبت به کسی که غنی‌تر از اوست، فقیر محسوب می‌شود. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که دولت‌ها نباید تمام امر فقرزدایی، امداد، اعانه فرهنگی و انواع یاری‌رسانی‌ها را مبادی شرعاً انجام دهند؛ بلکه باید تسهیل‌گری کنند و میدان را برای تعاملات مردمی در این زمینه باز کنند؛ یعنی اگر دولت امکاناتی دارد باید سازمان‌های مردم‌نهاد را تقویت کند و زمینه مشارکت مردم را فراهم کند؛ نه این‌که همه چیز را مبادی شرعاً